

# مطالعه تطبیقی سازوکارهای سیاستی حمایت از زنان خانه‌دار





# اسبیره

نماینده در پایگاه مرکز اطلاعاتی علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noor Mags)

## عنوان: مطالعه تطبیقی سازوکارهای سیاستی حمایت از زنان خانه‌دار

نوع گزارش: طرح لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■، پیش‌نویس قانونی □

نام دفتر: مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه زنان و خانواده)

ناظران علمی: موسی بیات، اکرم باجلان

ناظر علمی خارج از مرکز: ملیحه شیانی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: زهره نجفی (دانشیار عضو هیئت علمی دانشگاه

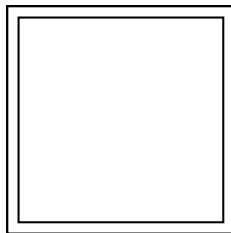
تهران)، پروین علیپور (عضو هیئت علمی پژوهشی دانشگاه تهران)، فائزه آقامحمدی

(پژوهشگر حوزه زنان و خانواده)

گرافیک و صفحه آرایی: سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی: سیده مرضیه موسوی راد

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱  
Publish Date : 2026/06/21



**عنوان: مطالعه تطبیقی سازوکارهای سیاستی حمایت از زنان خانه‌دار**

**تهیه و تدوین (Author):** حنان زارع ماتیزانی

**واژه‌های کلیدی:** زنان خانه‌دار، مادران خانه‌دار، سیاست حمایت اجتماعی، مطالعه تطبیقی

**ناشر:** مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

[DOI: 10.22034/mrc.report.21630](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21630)

[Permanent Link: report.mrc.ir/article](https://report.mrc.ir/article)

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

## فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۹	۱. مقدمه.....
۱۰	۲. پیشینه.....
۱۰	۲-۱. پیشینه مطالعاتی.....
۱۱	۲-۲. جایگاه زنان خانه‌دار در سیاست‌ها و قوانین.....
۱۲	۳. مطالعه تطبیقی کشورهای کانادا، بریتانیا، سوئد، فرانسه و برزیل.....
۱۲	۳-۱. کانادا.....
۱۳	۳-۲. بریتانیا.....
۱۴	۳-۳. سوئد.....
۱۴	۳-۴. فرانسه.....
۱۵	۳-۵. برزیل.....
۱۸	۴. جمع‌بندی و پیشنهاد سیاستی.....
۱۸	۴-۱. نتیجه‌گیری.....
۱۸	۴-۲. پیشنهادها.....
۲۲	منابع و مأخذ.....

## فهرست جداول

۱۰	جدول ۱. پیشینه مطالعاتی.....
۱۱	جدول ۲. زنان خانه‌دار در اسناد بالادستی و قوانین.....
۱۶	جدول ۳. مقایسه سیاست‌ها و حمایت‌ها از زنان / مادران خانه‌دار.....
۲۱	جدول ۴. پیشنهادهای سیاستی در حوزه حمایت از زنان خانه‌دار در ایران.....



## مطالعه تطبیقی سازوکارهای سیاستی حمایت از زنان خانه‌دار

### چکیده



در نظام ارزش‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، خانه‌داری به‌عنوان یک اولویت راهبردی شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که نقش محوری زنان خانه‌دار در صیانت و انسجام کانون خانواده، جایگاهی بنیادین دارد. ۷۰/۵ درصد از جمعیت زنان در سن فعالیت در ایران را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند و به‌رغم اینکه نقش خانه‌داری در اسناد سیاستی و قانونی به رسمیت شناخته شده، اما سیاست‌های حمایتی موجود اغلب پراکنده، غیرالزام‌آور و فاقد جامعیت لازم برای زنان خانه‌دار است. مطالعه تجارب پنج کشور با سطوح توسعه متفاوت و رویکردهای متمایز (کانادا، بریتانیا، سوئد، فرانسه و برزیل)، بیانگر وجود سیاست‌هایی مانند اختصاص «اعتبارات بیمه‌ای» براساس سن فرزندان و توسعه مهدکودک‌های ارزان‌قیمت و افزایش مرخصی پدران، در سیاست‌های حمایتی این کشورهاست. با این حال، موفقیت این الگوها مشروط به تغییر فرهنگ محیط کار برای مشارکت پدران و نگاه به زنان خانه‌دار نه به‌عنوان «خدمات‌گیرنده»، بلکه به‌عنوان «کنشگر خلاق و نوآور» و ارزش‌گذاری کار خانگی زنان است. بنابراین برای ارتقای جایگاه زنان خانه‌دار، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود:

**نخست**، ثبت آماری و ایجاد حساب‌های اقماری برای محاسبه سهم کار خانگی در تولید ناخالص داخلی در راستای ارزش‌گذاری کار خانگی؛  
**دوم**، استقرار نظام «اعتبار بیمه‌ای مراقبت» برای احتساب سال‌های خانه‌داری به‌عنوان سوابق بازنشستگی؛  
**سوم**، توسعه زیرساخت‌های مراقبتی (مانند مهدکودک‌ها) و گذار از یارانه‌های نقدی به سمت مهارت‌آموزی در مراکز نوآوری و انجام اقدامات فرهنگی نظیر ترویج مرخصی پدری برای اصلاح الگوی تقسیم کار در خانواده.  
به نظر این بسته سیاستی با هم‌افزایی نهادهای متولی، امنیت اقتصادی و رشد اجتماعی زنان خانه‌دار را تضمین می‌کند.



## شرح / بیان مسئله

خانه‌داری از اولویت‌های ارزشی نظام اسلامی محسوب می‌شود و در منظومه ارزشی جمهوری اسلامی ایران نیز نقش زنان خانه‌دار در حفظ پایداری خانواده، جایگاهی بنیادین دارد، اما با وجود آنکه ۷۰/۵ درصد از زنان در سن کار در ایران خانه‌دار هستند، فعالیت‌های مراقبتی و مدیریتی آنان همچنان در آمارهای اقتصادی نادیده گرفته شده و این در حالی است که زنان خانه‌دار نقش مهمی در پیشرفت کشور ایفا می‌کنند. هر چند تلاش‌هایی برای پوشش بیمه‌ای آنان صورت گرفته، اما نبود یک چارچوب منسجم حمایتی باعث شده تا بازنگری در سیاست‌ها با استفاده از تجربیات جهانی کشورهای نظیر کانادا، بریتانیا، سوئد، فرانسه و برزیل در این گزارش بررسی شود. این گزارش با رویکردی تطبیقی و با هدف بومی‌سازی سیاست‌هایی از سایر کشورها، به دنبال ارائه راهکارهای عملی برای به رسمیت شناختن ارزش خانه‌داری، مسئولیت‌های خانوادگی، کاهش شکاف‌های حمایتی و ارتقای جایگاه زنان خانه‌دار در کوتاه‌مدت و بلندمدت است.

## نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

مطالعه تجربیات برخی کشورها نشان می‌دهد که کشورهایمانند بریتانیا (فرزند زیر ۱۲ سال)، سوئد (فرزند زیر ۴ سال) و کانادا (فرزند زیر ۷ سال) با جایگزین کردن «اعتبارات بیمه‌ای» متفاوت در ازای سن فرزندان به‌جای پرداخت حق بیمه، به دنبال ایجاد امنیت خاطر در دوران سالمندی برای زنان خانه‌دار هستند، اما این مدل از نیازهای فوری و پویایی اجتماعی امروز آنها غافل مانده و بیشتر به کار مادرانی می‌آید که پیش یا پس از مادری دارای سنوات پرداخت بیمه باشند. در حوزه زیرساختی، کشورهای نظیر فرانسه و برزیل با گسترش مهدکودک‌های ارزان‌قیمت، تلاش می‌کنند تا مادران بتوانند آزادانه بین اشتغال یا خانه‌داری دست به انتخاب بزنند، اما سیاست مذکور بیش از آنکه به دنبال ارزش‌گذاری خانه‌داری زنان باشد، به دنبال تأمین نیروی کار برای بازار است.

از سوی دیگر، سیاست‌های مربوط به مشارکت پدران و مرخصی پدری (در سوئد و برزیل)، با هدف عادلانه‌تر کردن بار مراقبت از فرزند اجرا می‌شوند. البته موفقیت این طرح‌ها تنها با تصویب قانون ممکن نیست، بلکه مستلزم تغییر در «فرهنگ محیط کار» است. در نهایت، هر چند ابزارهای هوشمند مانند سامانه ارائه خدمات نقدی و غیرنقدی به مادران (در فرانسه) به هدفمندتر شدن بودجه‌های حمایتی کمک کرده‌اند، اما این الگوها معمولاً مادر را یک «استفاده‌کننده از خدمات» یا «فرد تحت پوشش بیمه» می‌بینند و از ظرفیت‌های او به‌عنوان یک «کنشگر خلاق» و «کارآفرین اجتماعی» غافل مانده‌اند.

## پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

پیشنهادهای زیر برای حمایت از زنان خانه‌دار ایرانی و بسترسازی فرهنگی برای ارزش‌گذاری معنوی کار خانگی ارائه می‌شود:

### ۱ ارزش‌گذاری رسمی خانه‌داری در نظام آماري

در حال حاضر، «کار خانگی و مراقبتی بدون مزد» در آمارها ثبت نمی‌شوند و سهم واقعی زنان خانه‌دار در جامعه نادیده گرفته می‌شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود «مرکز آمار ایران» با تعریف دسته‌بندی‌های دقیق برای کارهای خانگی و گنجاندن آنها در طرح‌های آماري ملی، زیربنای لازم را برای محاسبه ارزش اقتصادی این فعالیت‌ها فراهم کند.

### ۲ ایجاد «حساب‌های اقماری»

برای آنکه ارزش‌گذاری کار خانگی از حالت شعاری خارج و به اقدامی اجرایی تبدیل شود، باید این فعالیت‌ها در سیستم حسابداری ملی ثبت



شوند. پیشنهاد می‌شود «سازمان برنامه و بودجه» با همکاری «مرکز آمار»، نظام حساب‌های اقماری کار خانگی و مراقبتی را طراحی کنند؛ این اقدام سهم واقعی زنان خانه‌دار در تولید ناخالص داخلی (GDP) و بهره‌وری ملی به‌طور دقیق محاسبه شود. استقرار این سامانه، زیربنای لازم برای بودجه‌ریزی عادلانه و سیاستگذاری‌های رفاهی مبتنی بر واقعیت را فراهم می‌کند.

### ۳ ایجاد نظام «اعتبار بیمه‌ای»

یکی از نقاط ضعف جدی نظام رفاهی کشور، نبود بیمه‌ای همگانی برای سال‌های خانه‌داری و مراقبت است. پیشنهاد می‌شود وزارت رفاه و سازمان تأمین اجتماعی طرحی با عنوان «اعتبار بیمه‌ای مراقبت» اجرا کنند؛ به‌گونه‌ای که سال‌های صرف شده برای نگهداری از فرزندان، سالمندان یا معلولان، به‌عنوان سابقه بیمه محاسبه شود. این طرح باید با مشارکت مالی مشترک دولت و خانواده‌ها و متناسب با توان اقتصادی آنها طراحی شود تا هم عدالت اجتماعی رعایت گردد و هم پایداری مالی طرح تضمین شود.

### ۴ توسعه زیرساخت‌های مراقبتی

کاهش بار مسئولیت‌های مراقبتی زنان خانه‌دار تنها در صورتی ممکن است که زیرساخت‌های عمومی برای نگهداری از کودکان و سالمندان توسعه یابد. در این راستا، طبق برنامه هفتم پیشرفت، دولت موظف به تنوع‌بخشی به مدل‌های مهد کودک (نظیر مهدهای خانگی و سازمانی) شد. آیین‌نامه اجرایی مربوط به این تکلیف قانونی در مهرماه سال ۱۴۰۴ به تصویب هیئت دولت رسید، اما تاکنون گزارش روشنی درباره میزان و چگونگی اجرای آن در سطح جامعه ارائه نشده است.

### ۵ گذر از حمایت‌های نقدی به سمت مشارکت اجتماعی

تجربه نشان داده است که پرداخت یارانه به‌تنهایی نمی‌تواند کیفیت زندگی زنان خانه‌دار را بهبود بخشد. از این رو، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های حمایتی به سمت آموزش، مهارت‌آموزی و تقویت سرمایه اجتماعی تغییر جهت دهند تا زنان بدون اجبار برای ورود به بازار کار رسمی، بتوانند مشارکت اجتماعی داشته باشند. در همین راستا، طبق برنامه هفتم پیشرفت، معاونت علمی ریاست جمهوری موظف شده است که با ایجاد «مراکز نوآوری مادر و کودک» و توسعه زیرساخت‌های خلاق، فضا را برای فعالیت‌های نوآورانه مادران فراهم کند.

### ۶ ترویج تقسیم عادلانه کار خانگی

حمایت از زنان خانه‌دار بدون توجه به تقسیم کار در منزل، فشار کاری آنها را افزایش می‌دهد. بنابراین اقداماتی نظیر مرخصی تشویقی پدران، حمایت از مشارکت مردان در مراقبت از فرزندان و تولید محتوای رسانه‌ای هدفمند، می‌تواند به تغییر هنجارهای اجتماعی و کاهش بار مراقبتی زنان کمک کند. اجرای این مأموریت مستلزم همکاری نهادهایی همچون معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد و صداوسیماست.

## ۱. مقدمه

زنان خانه‌دار بخش عمده‌ای از جمعیت زنان در بسیاری از کشورهای جهان و ایران را تشکیل می‌دهند و نقش آنان در پایداری خانواده و تداوم حیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌انکارناپذیر است. در منظومه‌ارزشی جمهوری اسلامی ایران نیز خانواده به‌عنوان کانون اصلی آرامش، تربیت و تعالی انسانی شناخته می‌شود و نقش زنان خانه‌دار در حفظ انسجام و پایداری خانواده، جایگاهی بنیادین دارد. در همین چارچوب، رهبر شهید معظم انقلاب اسلامی نیز همواره بر ارزش و منزلت نقش مادری، همسری و مدیریت خانواده تأکید کرده‌اند و آن را از مهم‌ترین و اثرگذارترین مسئولیت‌های اجتماعی زنان دانسته‌اند.<sup>۱</sup> زیرا بسیاری از فعالیت‌های روزمره، از جمله مراقبت از کودکان، سالمندان و افراد وابسته و نیز اداره امور خانه توسط زنان خانه‌دار انجام می‌شود، اما این فعالیت‌ها، با وجود نقش اساسی در حفظ انسجام خانواده و بازتولید سرمایه انسانی و اجتماعی، در تمامی شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی نادیده گرفته می‌شوند، این در حالی است که زنان خانه‌دار نقش مهمی در پیشرفت کشورهای ایفای می‌کنند.

بررسی سالنامه آماری سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد ۷۰/۵ درصد زنان در سن فعالیت اقتصادی (۱۵ سال و بیشتر) در ایران، خانه‌دار بوده و این سهم در مناطق روستایی و برخی استان‌ها به مراتب بالاتر است [۱]. همچنین زنان خانه‌دار جزئی از جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی برشمرده شده‌اند. این در حالی است که در دهه‌های اخیر، تلاش‌هایی برای گسترش حمایت‌های رفاهی و تأمین اجتماعی زنان خانه‌دار، از جمله در حوزه بیمه، بازنشستگی، از کارافتادگی و حمایت‌های مرتبط با بارداری و زایمان صورت گرفته است؛ اما این اقدامات هنوز به یک چارچوب سیاستی منسجم و فراگیر منتهی نشده‌اند.

از این رو، ضرورت بازنگری در سیاست‌های حمایتی و طراحی سازوکارهایی مؤثر، پایدار و متناسب با شرایط خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی زنان خانه‌دار کشور به‌وضوح احساس می‌شود. در این خصوص، گزارش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل سازوکارهای سیاستی مؤثر برای حمایت از زنان خانه‌دار، با رویکردی تطبیقی تدوین شده است. بر همین اساس، کشورهایی چون کانادا، بریتانیا، سوئد، فرانسه و برزیل به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند تا طیفی متنوعی از رویکردهای سیاستی از توسعه خدمات عمومی و سیاست‌های خانواده‌محور تا الگوهایی قابل اجرا در سایر کشورها مورد بررسی قرار گیرند. شاید این تنوع بتواند امکان استخراج گزاره‌های سیاستی واقع‌بینانه، قابل بومی‌سازی و متناسب با شرایط خانوادگی، نهادی، اقتصادی و اجتماعی برای زنان خانه‌دار در ایران را فراهم کند. باین حال، باید توجه داشت مطالعات تطبیقی در این حوزه با محدودیت‌هایی ناشی از تفاوت در نظام‌های رفاهی، ساختارهای نهادی و نقش دولت در قبال خانواده و کار مراقبتی و نگاه ارزشی به زنان و مادران در فرهنگ ایرانی همراه است. همچنین، هدف‌نهایی این گزارش صرفاً مقایسه سیاست‌ها نیست، بلکه ارائه پیشنهادها برای کاربردی طراحی یا اصلاح سازوکارهای حمایتی است که بتوانند ضمن ارتقای جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان خانه‌دار در کوتاه‌مدت و بلندمدت، زمینه پایداری، امنیت و تداوم ایفای نقش ارزشمند خانهداری، مادری و مراقبت خانوادگی را نیز تقویت کنند. بنابراین در این گزارش، کار خانگی و مراقبتی زنان به‌عنوان یکی از ارکان مهم نهاد خانواده و واجد ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی مورد توجه قرار گرفته و سیاست‌های پیشنهادی با هدف حمایت از تداوم، پایداری و ارتقای این نقش تنظیم شده‌اند.

۱. یکی از مهم‌ترین وظایف زن، خانهداری است. همه می‌دانند؛ بنده عقیده ندارم به اینکه زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانهداری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانهداری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز. بیانات رهبر شهید، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱.

۲. جمعیت فعال اقتصادی: تمامی افراد ۱۵ ساله و بیش‌تر که در هفته تقویمی قبل از هفته آمارگیری (هفته مرجع) طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده‌اند. جمعیت غیرفعال اقتصادی: شامل تمامی افراد در سن کاری است که طول زمان مرجع در هیچ‌یک از دو گروه شاغل و بیکار قرار نمی‌گیرند [۱].



### ۲-۱. پیشینه مطالعاتی

مطالعات انجام شده را می‌توان در دو حوزه دسته‌بندی کرد:

**اول**، حوزه حقوقی و سیاستگذاری که به چارچوب‌های قانونی، سیاست‌های بیمه‌ای و حمایت‌های دولتی از زنان خانه‌دار می‌پردازد. **دوم**، حوزه اجتماعی-فرهنگی که نقش کار خانگی بدون مزد، نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان و ساختار خانواده ایرانی را مورد توجه قرار می‌دهد. مرور این پژوهش‌ها می‌تواند نقش مهمی در تبیین چالش‌ها و فرصت‌های سیاستگذاری و نیز در طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثر حمایتی از زنان خانه‌دار ایفا کند.

#### جدول ۱. پیشینه مطالعاتی

پژوهشگر / سال	عنوان پژوهش	حوزه / رویکرد	روش تحقیق	یافته‌های کلیدی
قنبری و برسپاه (۱۴۰۱) [۲]	چالش‌های پیش‌روی بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار و الزامات تقنینی آن	حقوقی-سیاستگذاری	تحلیلی-حقوقی	نظام بیمه‌ای ایران مبتنی بر اشتغال است و زنان خانه‌دار غالباً از پوشش بیمه اجباری برخوردار نیستند؛ با توجه به استقبال محدود از بیمه اختیاری، ایجاد نظامی فرآگیر همراه با حمایت هدفمند و تأمین منابع پایدار دولتی ضروری است.
کریم‌پور (۱۴۰۱) [۳]	وضعیت موجود، ابعاد و چالش‌های بیمه زنان خانه‌دار	سیاستگذاری اجتماعی-تحلیلی	تحلیلی-اسنادی	زنان خانه‌دار، بخش قابل‌توجهی از جمعیت زنان کشور را تشکیل می‌دهند و با توجه به استقبال محدود از بیمه اختیاری، تدوین سیاست‌های پایدار و هدفمند بر اساس دهک درآمدی و وضعیت خانوادگی ضروری است.
علیزاده و همکاران (۱۴۰۰) [۴]	تحلیل نقش و ارزش کار خانهداری	اجتماعی-فرهنگی	کیفی، مصاحبه عمیق	کار خانگی با وجود نقش حیاتی در جامعه، به دلیل نبود ارزش‌گذاری رسمی و فشارهای اجتماعی بر زنان، نیازمند بازنگری در سیاست‌های حمایتی و بهرسمیت‌شناختن به‌عنوان فعالیت اقتصادی است.
ساعی ارسبی و نیک‌نژاد (۱۳۸۹) [۵]	سهم کار خانگی زنان در فرآیند برنامه‌ریزی‌های توسعه	اقتصادی-توسعه‌ای	مرور اسناد، تحلیل نظام‌مند	کار خانگی زنان با وجود سهم بالای اقتصادی، اما در آمار رسمی نادیده گرفته شده و نیازمند سیاست‌های حمایتی و بیمه‌ای برای کاهش نابرابری جنسیتی است.

مرور مطالعات داخلی نشان می‌دهد که سیاست‌های موجود در حمایت از زنان خانه‌دار به‌ویژه در حوزه بیمه اجتماعی با محدودیت‌های ساختاری، منابع مالی ناپایدار و فقدان رویکرد فرآگیر و هدفمند مواجه هستند. غلبه الگوی اشتغال محور در نظام رفاهی، عدم به رسمیت شناختن کامل کار مراقبتی بدون مزد و تمرکز صرف بر ابزارهای بیمه‌ای موجب شده است تا بخش قابل‌توجهی از زنان خانه‌دار خارج از پوشش حمایت‌های مؤثر باقی بمانند. همچنین یافته‌های جدول ۱، بیانگر آن است که سیاست‌های حمایتی از زنان خانه‌دار باید:

- ۱- مبتنی بر نظام بیمه اجتماعی فرآگیر و پایدار باشد.
- ۲- با توجه به عدالت اجتماعی و جنسیتی، دهک‌های درآمدی، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و ظرفیت مالی دولت حمایت از زنان خانه‌دار طراحی شود.
- ۳- نباید متکی صرف به قوانین برنامه‌ای و بودجه‌های سالیانه باشد.

۴ شامل تغییر نگرش فرهنگی به کار خانه‌داری و ارزش‌گذاری اقتصادی-اجتماعی باشد.

۵ با اولویت‌بندی مبتنی بر زنان آسیب‌پذیر و فاقد درآمد مستقل اجرا شود.

در مجموع، تحقق حمایت واقعی از این گروه مستلزم تلفیق ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، طراحی سیاست‌های تدریجی و پایدار و ایجاد سازوکارهای حمایتی فراگیر است.

## ۲-۲. جایگاه زنان خانه‌دار در سیاست‌ها و قوانین

زنان خانه‌دار مسئولیت‌های خطیری در پرورش جسمی و روحی فرزندان، حمایت عاطفی از همسر و فرزندان، کنترل سبب خانوار و اصلاح الگوی مصرف و تقویت بنیادهای خانواده دارند. لازمه اجرای چنین نقش‌هایی حمایت از سلامت جسمی و روحی آنهاست. بررسی سیاست‌ها و قوانین نشان می‌دهد زنان خانه‌دار و نقش آنها در اسناد سیاستی و قانونی ایران به رسمیت شناخته شده است (جدول ۲).

جدول ۲. زنان خانه‌دار در اسناد بالادستی و قوانین

نوع حمایت	محتوای کلیدی مرتبط با زنان خانه‌دار / خانه‌داری	سند / قانون اصلی
حقوقی-تأمین اجتماعی	حق برخورداری از تأمین اجتماعی برای همه (مبنای امکان سیاست‌گذاری بیمه‌ای برای زنان فاقد شغل رسمی از جمله خانه‌داران) (اصل ۲۹)	<a href="#">قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران</a>
نهادی-رفاهی	ایجاد چارچوب نهادی برای سیاست‌های رفاهی (زمینه‌ساز حمایت از گروه‌های فاقد پوشش بیمه‌ای قابل‌تعمیم به زنان خانه‌دار) (ماده ۳)	<a href="#">قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۸۳)</a>
کلی و جهت‌دهنده	تأکید بر نقش زنان در خانواده و حمایت از خانه‌داری	<a href="#">سیاست‌های اشتغال زنان (شورای عالی انقلاب فرهنگی) ۱۳۷۱</a>
فرهنگی-حقوقی	به رسمیت شناختن ارزش خانه‌داری و مسئولیت‌های خانوادگی	<a href="#">منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان (شورای عالی انقلاب فرهنگی) ۱۳۸۳</a>
بیمه‌ای اختیاری	امکان بیمه اختیاری زنان خانه‌دار (نرخ ۱۸-۱۲٪)	<a href="#">قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد (تأمین اجتماعی) ۱۳۸۷</a>
کلی و جهت‌دهنده	ارتقای معیشت خانواده‌ها و حمایت از نقش زنان در خانه (بند «۱۲»)	<a href="#">سیاست‌های کلی خانواده (ابلاغی مقام معظم رهبری) ۱۳۹۵</a>
بیمه‌ای هدفمند	مکلف‌سازی دولت به لایحه بیمه زنان خانه‌دار دارای حداقل سه فرزند (بند «ب» ماده ۱۰۳)	<a href="#">قانون برنامه ششم توسعه ۱۳۹۶-۱۴۰۰</a>
بیمه رایگان هدفمند	بیمه رایگان مادران خانه‌دار روستایی با سه فرزند یا بیشتر (توسط صندوق کشاورزان، روستائیان و عشایر) (ماده ۲۱)	<a href="#">قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت</a>
فرهنگی-اجتماعی	ایجاد الگویی نوین برای حضور اجتماعی مادران خانه‌دار از طریق مراکز خلاق و نوآوری (بند «ث» ماده ۸۱)	<a href="#">قانون برنامه هفتم پیشرفت (۱۴۰۷-۱۴۰۳)</a>

مأخذ: نگارنده.



بررسی اسناد و قوانین جاری در جدول فوق، نشان دهنده نوعی عزم سیاستی برای هویت بخشی و به رسمیت شناختن نقش خانه داری و مراقبت خانوادگی در نظام حمایتی کشور است. براساس سیاست‌ها و قوانین برنامه‌های توسعه، دولت موظف شده زمینه‌های حمایت اجتماعی و بیمه‌ای از زنان خانه‌دار را فراهم سازد و نقش آنان را به‌عنوان بخشی اثرگذار در پایداری خانواده و بازتولید اجتماعی مورد توجه قرار دهد. همچنین در نظام بیمه‌ای، این حمایت در سه سطح مورد توجه قرار گرفته است:

**نخست**، فراهم‌سازی امکان بیمه اختیاری برای عموم زنان خانه‌دار.

**دوم**، ارائه بیمه رایگان و کامل برای مادران روستایی و عشایری دارای سه فرزند (قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت).

**سوم**، مکلف‌سازی دولت به تدوین لوایح اختصاصی برای پوشش گروه‌های فاقد بیمه که تا پایان اجرای برنامه ششم توسعه به‌طور کامل عملیاتی نشد.

نقطه عطف این سیاست‌ها در برنامه هفتم، پیشرفت قابل مشاهده است؛ تا آنجا که با تأکید بر «مراکز خلاق و نوآوری»، الگویی پیشنهاد می‌شود که امکان مشارکت اجتماعی بیشتر مادران خانه‌دار را فراهم می‌سازد. در مجموع، بررسی این زنجیره سیاستی - قانونی نشان می‌دهد که سیاستگذار در پی ایجاد نوعی توازن میان حفظ و تقویت نهاد خانواده و ارتقای جایگاه اجتماعی و حمایتی زنان و مادران خانه‌دار بوده است. با این حال، روند سیاستی موجود نشان دهنده حرکت تدریجی از حمایت‌های فرهنگی و غیرالزام‌آور در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به سمت حمایت‌های بیمه‌ای و رفاهی هدفمند، به‌ویژه از برنامه ششم توسعه به بعد، است. با وجود این، ضعف پوشش بیمه فراگیر همچنان مشهود بوده و بسیاری از زنان خانه‌دار، خارج از دایره حمایت مؤثر قرار دارند؛ موضوعی که ضرورت طراحی سیاست‌های جامع‌تر و پایدارتر را آشکار می‌سازد.

### ۳. مطالعه تطبیقی کشورهای کانادا، بریتانیا، سوئد، فرانسه و برزیل



#### ۳-۱. کانادا

کانادا از سال ۱۹۷۷ یکی از پیشروترین سیاست‌های جبران کار بدون حقوق مراقبتی و خانگی را اجرا کرده که در نظام بازنشستگی عمومی این کشور گنجانده شده است. مطابق با این سازوکار عملیاتی، والدین واجد شرایط (عمدتاً زنان) مجاز خواهند بود حداکثر هفت سال کامل از دوران زندگی خود را که صرف مراقبت از کودک کرده‌اند، از فرمول محاسبه مستمری بازنشستگی حذف کنند [۶]. به بیان دیگر در این سال‌ها، به جای صفر یا درآمد بسیار پایین، میانگین درآمد بهترین سال‌های کاری فرد (معمولاً درآمد متوسط یا بالاتر) در محاسبه پایه مستمری قرار می‌گیرد.

این سیاست برای دفاع از حقوق والدین به‌خصوص مادرانی است که مراقبت از کودک زیر ۷ سال را انتخاب کرده یا ساعات کار خود را کاهش داده‌اند، است.

اعمال این سیاست از جنبه‌های متعدد حیاتی است:

**نخست**، در جلوگیری از شکاف بازنشستگی و کاهش فقر سالمندی زنان نقش کلیدی ایفا می‌کند.

**دوم**، این سازوکار به رسمیت شناختن کار خانگی و مراقبتی به‌عنوان کار مولد واقعی را به‌صراحت اعلام می‌کند. مراقبت از کودک و اداره خانه، «کار» است؛ کاری که اگر توسط مهد کودک، پرستار کودک یا خدمتکار منزل انجام می‌شود، هزینه‌های هنگفتی به خانواده تحمیل می‌کند. کانادا این کار را رایگان فرض نمی‌کند و برای آن جبران مالی بلندمدت در نظر می‌گیرد.

علاوه بر این، «سیاست کانادا برخلاف برخی رویکردهای به‌ظاهر حمایتی که عملاً زنان را ملزم می‌کنند حتماً شاغل تمام‌وقت باشند تا از مزایای بازنشستگی بهره‌مند شوند، عدم اجبار به اشتغال را تضمین می‌کند. نظام کانادا حتی به زنان خانه‌دار تمام‌وقت نیز اعتبار کامل اعطا می‌کند و اشتغال پاره‌وقت نیز مانع دریافت این اعتبار نیست. این رویکرد، حق انتخاب واقعی را به زنان اعطا می‌کند و ارزش اقتصادی کار

مراقبتی و خانگی را به رسمیت می‌شناسد. در نهایت، هزینه بسیار پایین این برنامه در برابر دستاوردهای بزرگ اجتماعی، آن را به یک مدل ایدئال تبدیل کرده است. کل هزینه این برنامه در حال حاضر حدود ۶۲۰ میلیون دلار کانادا در سال است که تنها ۲/۳ درصد از کل بودجه برنامه بازنشستگی عمومی را تشکیل می‌دهد [۶].

باین حال، باید توجه داشت که این سیاست به دلیل ماهیت مشارکتی نظام (CPP) (براساس حق بیمه‌های پرداختی در دوران اشتغال) عمدتاً برای زنانی اثربخش است که پیش از دوره مراقبت یا پس از آن سابقه مشارکت بیمه‌ای و درآمد مشمول بیمه دارند. بنابراین، این مدل به تنهایی یک «کف حمایتی مستقل» برای زنانی که تمام عمر خارج از بازار کار رسمی بوده‌اند ایجاد نمی‌کند، بلکه بیشتر نقش جبران وقفه‌های مراقبتی در مسیر اشتغال را برعهده دارد» [۶].

## ۲-۳. بریتانیا

بریتانیا از سال ۱۹۷۸ طرحی به نام «حمایت از مسئولیت‌های خانوادگی» (مانند مراقبت از کودک، سالمند یا فرد معلول) (HRP) را در نظام بازنشستگی دولتی اجرا کرد که بعدها با اصلاحات تدریجی به اعتبار مراقبت<sup>۳</sup> تکامل یافت. هدف اولیه این سیاست، کاهش فقر زنان در دوران سالمندی و به رسمیت شناختن کار مراقبتی بدون دستمزد بود، اما در ابتدا این طرح صرفاً سال‌های مراقبت را از تعداد سال‌های مورد نیاز برای دریافت مستمری پایه کسر می‌کرد و ارزش درآمدی برای آن در نظر گرفته نمی‌شد [۶].

از سال ۲۰۰۲ با ایجاد «بازنشستگی دولتی دوم»،<sup>۴</sup> اعتبار مراقبتی برای اولین بار دارای ارزش درآمدی معادل «حداقل آستانه درآمد» شد. سرانجام با اصلاحات اساسی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۰، سه شرط<sup>۵</sup> محدودکننده پیشین (از جمله الزام به داشتن حداقل یک سال سابقه اشتغال با پرداخت حق بیمه) حذف شد و از آن پس زنانی که هرگز شغل رسمی نداشته‌اند نیز صرفاً براساس سال‌های مراقبت می‌توانند مستمری کامل دولتی دریافت کنند [۶].

نکته مهم در نظام اعتبار مراقبتی بریتانیا این است که فعالیت‌های عمومی خانه‌داری (مانند آشپزی، نظافت یا شستشو) به تنهایی اعتبار بازنشستگی ایجاد نمی‌کند. این اعتبار صرفاً به مراقبت از کودک زیر ۱۲ سال یا مراقبت از فرد ناتوان یا سالمند نیازمند مراقبت تعلق می‌گیرد و شرط اساسی آن حداقل ۲۰ ساعت مراقبت در هفته است. پس از اصلاحات سال ۲۰۱۰ و حذف سه شرط محدودکننده پیشین (حداقل ۱۰ سال سابقه، حداقل یک سال اشتغال با پرداخت حق بیمه و پرداخت حق بیمه در ۱۰ درصد طول عمر کاری)، زنانی که هرگز سابقه اشتغال رسمی نداشته‌اند نیز می‌توانند صرفاً براساس سال‌های مراقبت از کودک یا فرد ناتوان، مستمری کامل دولتی دریافت کنند. براساس پیش‌بینی‌های دولت بریتانیا، این اصلاحات بلافاصله سهم زنانی را که واجد شرایط دریافت مستمری پایه کامل می‌شوند از ۳۰ درصد به ۷۰ درصد افزایش داد و پیش‌بینی کرده تا سال ۲۰۲۵ این نرخ برای زنان و مردان به ۹۰ درصد برسد [۶].

تجربه بریتانیا نشان می‌دهد که حتی در کشوری با حقوق بازنشستگی دولتی نسبتاً پایین، می‌توان با یک سازوکار هوشمندانه و فراگیر، کار مراقبتی زنان را به عنوان فعالیت اقتصادی کاملاً ارزشمند به رسمیت شناخت و اطمینان داد زنی که تمام عمرش را صرف خانواده کرده و معمولاً امکان پس‌انداز خصوصی یا شغل تمام‌وقت ندارد، از فقر سالمندی نجات دهد تا در آن ایام با مستمری صفر یا ناچیز روبه‌رو نشود.

1. Canada Pension Plan
2. Home Responsibilities Protection
3. Carer's Credit
4. State Second Pension
۵. الف) قاعده حداقل ۲۵ درصد (De Minimis Rule): فرد باید حداقل ۲۵ درصد از سال‌های مورد نیاز برای مستمری کامل را کسب کرده باشد (برای زنان معادل ۱۰ سال سابقه).  
ب) قاعده اولین مشارکت: (First Contribution Rule) حداقل یکی از این سال‌ها باید از طریق اشتغال و پرداخت حق بیمه تأمین می‌شد، نه صرفاً از طریق اعتبار مراقبتی.  
ج) آزمون پیوند با بازار کار: (Labor Market Attachment Test) فرد باید حداقل ۱۰ درصد از طول عمر کاری خود حق بیمه پرداخت کرده باشد (معمولاً معادل ۴ تا ۵ سال).  
شایان ذکر است تا پیش از ۲۰۱۰ این سه شرط سختگیرانه عملاً زنان کاملاً خانه‌دار را از دریافت مستمری محروم می‌کرد.
6. Full Basic State Pension



### ۳-۳. سوئد

سوئد یکی از کشورهای پیشرو در اجرای سیاست‌های خانواده به شمار می‌رود. این کشور با ترکیب سیاست‌های هماهنگ، توانسته است هم‌زمان نرخ اشتغال بالای زنان (۷۰.۲ درصد در سال ۲۰۰۹) و نرخ باروری نسبتاً پایدار (۱.۸ فرزند در هر زن) را حفظ کند. این دستاورد، حاصل ترکیب سیاست‌هایی است که مسئولیت مراقبت از کودک را بین والدین تقسیم می‌کنند، از درآمد زنان در دوره‌های مراقبت محافظت می‌کنند و امکان بازگشت پایدار آنان به بازار کار را فراهم می‌سازند [۷].

مرخصی والدین در سوئد براساس اصلاحات سال ۱۹۹۴ طراحی شده و در مجموع ۴۸۰ روز مرخصی با حقوق برای هر کودک ارائه می‌دهد. از این مدت، ۳۹۰ روز با پرداخت حدود ۸۰ درصد دستمزد و ۹۰ روز با مبلغ ثابت روزانه ۱۸۰ کرون سوئد پرداخت می‌شود. برای تقویت مشارکت پدران در مراقبت از کودک، دو ماه (۶۰ روز) مرخصی به صورت «استفاده کن یا از دست بده» برای والدی که کمتر از مرخصی استفاده می‌کند (معمولاً پدر) در نظر گرفته شده است. از سال ۲۰۱۶، این مدت به ۱۳ هفته (۹۱ روز) برای هر والد غیرقابل انتقال افزایش یافته است. این سیاست، همراه با مشوق‌های مالیاتی برای تقسیم برابر مرخصی، نقش مهمی در افزایش حضور پدران در خانواده داشته است [۷].

در زمینه بازنشستگی، سوئد از اعتبار مراقبتی استفاده می‌کند تا اطمینان دهد که وقفه‌های شغلی ناشی از مراقبت از کودک منجر به کاهش قابل توجه مستمری والدین نشود. این اعتبار تا چهار سالگی کودک قابل اعمال است و به سه روش محاسبه می‌شود:

۱. براساس دستمزد سال قبل از تولد کودک،

۲. معادل ۷۵ درصد متوسط دستمزد ملی (برای والدین با درآمد پایین)،

۳. پرداخت یک مبلغ ثابت به همراه احتساب درآمد فرد از اشتغال پاره‌وقت.

این انعطاف‌پذیری با نظام بازنشستگی مبتنی بر حساب‌های تعریف شده مجازی (NDC) که در اصلاحات ۱۹۹۴ ایجاد شد، کاملاً سازگار است و از کاهش مزایای بازنشستگی، به‌ویژه برای زنان، جلوگیری می‌کند [۷].

در کنار این سیاست‌ها، سوئد یک نظام کاملاً توسعه‌یافته برای مراقبت از کودک دارد. بیش از ۹۵ درصد کودکان ۳ تا ۵ سال از خدمات مراقبت عمومی با کیفیت استفاده می‌کنند و هزینه این خدمات برای خانواده‌های سوئدی متوسط حدود ۴.۴ درصد از درآمد خالص خانوار است. این پوشش فراگیر به والدین اجازه می‌دهد پس از پایان مرخصی والدین، بدون دغدغه مالی و با سهولت بیشتر، دوباره وارد بازار کار شوند، به‌واسطه این مدل یکپارچه، سوئد توانسته است توازن مؤثری بین کار و زندگی خانوادگی ایجاد کند و به‌الگویی جهانی در حوزه سیاست‌های خانواده تبدیل شود [۷].

### ۳-۴. فرانسه

«مؤسسه ملی کمک‌های خانوادگی فرانسه» (CNAF) در سال ۲۰۲۲ با تأسیس «مرکز تخصصی مراقبت از کودکان خردسال» (CEPAJE) گامی تعیین‌کننده در راستای حمایت واقعی و ساختاری از زنان خانه‌دار برداشت و عملاً این موضوع را به رسمیت شناخت که ماندن در خانه برای مراقبت از فرزند نه انتخاب آزاد، بلکه اغلب نتیجه نبود جایگاه مهد کودک است. این مرکز با ارائه پشتیبانی کارشناسی رایگان و جامع به صندوق‌های محلی کمک‌های خانوادگی، ایجاد و توسعه مهد کودک‌ها را در تمام مراحل (از امکان‌سنجی تا افتتاح) شتاب بخشید و بدین ترتیب مستقیماً به کاهش کمبود ۲۰۰.۰۰۰ مهد کودک در فرانسه کمک کرد. اهمیت این سیاست برای زنان خانه‌دار در این است که با افزایش چشمگیر ظرفیت مراقبت جمعی، امکان بازگشت داوطلبانه و واقعی آنان به بازار کار یا آموزش را فراهم می‌آورد، سابقه بیمه‌ای‌شان را از قطع شدن حفظ می‌کند، از سقوط به فقر جنسیتی در میان سالی و پیری جلوگیری می‌کند و مهم‌تر از همه، مراقبت از کودک را از یک «وظیفه خصوصی و بدون دستمزد زانه» به یک «خدمت عمومی و تأمین شده توسط دولت» تبدیل می‌کند [۸]. البته این سیاست حمایتی با تقلیل «خانه‌داری» به یک «بیکاری اجباری» ناشی از کمبود زیرساخت، ارزش تربیتی و انتخاب آگاهانه زنان برای مدیریت خانواده را نادیده می‌گیرد.

در دو سال نخست، این مرکز، هفت پروژه بزرگ مهد کودک را به سرانجام رساند، ده‌ها دوره آموزشی و وینار برگزار و مجموعه‌ای از شیوه‌های نوآورانه را منتشر کرد. دستاوردهایی که نه فقط مادران شاغل، بلکه به‌طور خاص زنان خانه‌داری را که سال‌ها به دلیل نبود گزینه مراقبتی مناسب از چرخه اقتصادی و بیمه‌ای خارج شده بودند، مجدداً به جامعه و حقوق شهروندی‌شان بازمی‌گرداند [۸]. این سیاست به جای «ارزش‌بخشی به خانه‌داری» به‌عنوان یک شغل و تأمین امنیت مالی و بیمه‌ای زن در درون خانه، صرفاً بر «خانه‌داری‌زدایی» و هدایت اجباری مادران به بازار کار تمرکز دارد؛ در واقع دولت با تبدیل مراقبت از کودک به یک «خدمت اداری»، قدرت انتخاب واقعی مادر را سلب کرده و امنیت آتی او را به‌جای حمایت از نقش مادری، به خروج از خانه و سپردن فرزند به نهادهای دولتی مشروط می‌سازد. تجربه فرانسه نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های مراقبت جمعی، مؤثرترین شکل جبران برای کار مراقبتی بدون دستمزد زنان خانه‌دار و یکی از قوی‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری در حوزه تأمین اجتماعی است.

همچنین، مؤسسه ملی کمک‌های خانوادگی فرانسه (CNAF) در سال ۲۰۲۳ با راه‌اندازی ابزار تعاملی «من در انتظار فرزند هستم» یکی از دقیق‌ترین و انسانی‌ترین حمایت‌ها را از زنان خانه‌دار ارائه کرد. زنانی که سال‌ها به دلیل ناآگاهی از حقوق‌شان یا ترس از پیچیدگی اداری، از دریافت کمک‌های مالی، بارانه مهد کودک، کمک‌هزینه نگهداری کودک و سایر حمایت‌های پس از زایمان محروم مانده و ناچار در خانه مانده بودند. این ابزار دیجیتال با ۱۶۰ ترکیب ممکن از وضعیت خانوادگی، درآمدی و جغرافیایی، در کمتر از دو دقیقه به هر زن خانه‌دار یا مادر باردار نشان می‌دهد دقیقاً چه مبلغی، از چه محلی و با چه مدارکی می‌تواند دریافت کند و حتی پیوند (لینک) ثبت‌نام یا رزرو وقت مشاوره را مستقیماً در اختیارش می‌گذارد. این ابتکار سبب شد در هشت ماه نخست بیش از ۱۲۰۰۰۰ زن (بسیاری از آنها مادران خانه‌دار کم‌سواد یا ساکن مناطق محروم) برای اولین بار موفق شدند کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را فعال کنند [۸].

### ۵-۳. برزیل

برزیل در میان کشورهای در حال توسعه، مجموعه سیاست‌های قابل توجهی را برای به رسمیت شناختن و کاهش بار کار مراقبتی بدون دستمزد زنان اجرا کرده است. مهم‌ترین ابتکار، اصلاحات موسوم به سیاست زن خانه‌دار است که از سال ۲۰۰۶ اجرایی شد. این سیاست به زنان خانه‌دار کم‌درآمد امکان می‌دهد با پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی با نرخ ۵ درصد حداقل دستمزد (کاهش از نرخ‌های قبلی ۲۰ و ۱۱ درصد)، تحت پوشش نظام بازنشستگی قرار گیرند. این اصلاحات به‌ویژه زنان کم‌درآمد و فاقد درآمد مستقل را هدف قرار می‌دهد و دسترسی آنان را به مزایای بازنشستگی فراهم می‌کند [۹].

در کنار آن، سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی مراقبت از کودکان، دسترسی به مهد کودک را برای کودکان افزایش داده و بار مراقبتی مادران را کاهش داده است. برنامه‌های زیرساختی ملی مانند «آب برای همه» و «نور برای همه» نیز با برق‌رسانی و لوله‌کشی آب به مناطق روستایی و حاشیه‌نشین، زمان صرف شده زنان برای جمع‌آوری آب و سوخت را کاهش داده‌اند. در حوزه تغییر هنجارهای جنسیتی، سازمان پروموندو با اجرای برنامه‌های آموزشی در مراکز بهداشتی و ترویج مرخصی پدری طولانی‌تر (تمدید از ۵ به ۲۰ روز در برنامه شرکت شهروند)، مسئولیت مشترک در خانوار را تقویت کرده است [۱۰]. در مجموع، ترکیب سیاست‌های تأمین اجتماعی مستقیم، خدمات عمومی گسترده و زیرساخت‌های پایه، برزیل را به یکی از نمونه‌های موفق در کاهش بار مراقبتی زنان و افزایش مشارکت اقتصادی آنان تبدیل کرده است.



جدول ۳. مقایسه سیاست‌ها و حمایت‌ها از زنان / مادران خانه‌دار

کشور	نوع سیاست / ابزار	گروه هدف / پیش‌شرطها	جایگاه زنان پیش از استفاده	ماهیت حمایت	نتایج / پیامدهای کلیدی
کانادا	جبران کار بدون حقوق مراقبتی در سال‌های مراقبت کودک	والدین (عمدتاً زنان) با فرزند زیر ۷ سال	زنان خانه‌دار یا شاغل پاره‌وقت	بیمه‌ای	کاهش شکاف دستمزد در بازنشستگی و کاهش فقر سالمندی برای مادرانی که پیش‌و پس از دوره مراقبت (۷ سال) سابقه بیمه دارند.
بریتانیا	اعتبار مراقبتی در بازنشستگی دولتی	مادران کودک زیر ۱۲ سال، مراقبت از سالمند/ معلول	زنان خانه‌دار یا شاغل پاره‌وقت	بیمه‌ای	دریافت مستمری بازنشستگی برای زنان / مادران خانه‌دار صرفاً بر اساس سال‌های مراقبت از کودک (زیر ۱۲ سال) یا فرد / سالمند ناتوان و کاهش فقر سالمندی
سوئد	افزایش مرخصی پدران و اعتبار مراقبتی در بازنشستگی و برخورداری از خدمات مراقبتی عمومی (مهدکودک دولتی)	مادران کودک زیر ۴ سال	زنان خانه‌دار یا شاغل پاره‌وقت	بیمه‌ای و خدماتی	دریافت مستمری بازنشستگی برای زنان / مادران خانه‌دار صرفاً بر اساس سال‌های مراقبت از کودک (زیر ۴ سال) و افزایش مشارکت پدران در مراقبت از کودکان
فرانسه	توسعه مراکز مراقبت کودکان	مادران کودک خردسال و زنان خانه‌دار	زنان خانه‌دار یا شاغل	خدماتی، آموزشی، دیجیتال و مالی	کاهش کمبود مهدکودک و بازگشت به بازار کار
برزیل	قانون زن خانه‌دار، خدمات مراقبتی عمومی، زیرساخت‌های پایه و ترویج مرخصی طولانی‌تر پدری	زنان خانه‌دار کم‌درآمد	زنان خانه‌دار	مالی، خدماتی، زیرساختی و آموزشی	بهره‌سمیت شناختن اقتصادی کار خانگی، کاهش بار مراقبتی و افزایش مشارکت زنان

مأخذ: همان.

تحلیل جامع و مقایسه‌ای سیاست‌های حمایتی از مادران خانه‌دار (جدول ۳) را می‌توان در چهار محور زیر خلاصه کرد:

**۱ ار تقای «جامعیت نظام بیمه‌ای» (تضمین آینده مادران)**

در کشورهای کانادا، بریتانیا و سوئد، مراقبت از فرزندان به‌عنوان یک شغل دیده می‌شود. استفاده از «اعتبار مراقبتی» به جای پرداخت حق بیمه توسط خود فرد، به این معناست که دولت هزینه بازنشستگی مادر را به پاس بزرگ کردن فرزند پرداخت می‌کند. البته در کانادا تا ۷ سالگی فرزند و در سوئد تا ۴ سالگی فرزند، هر چند که بریتانیا با پوشش فرزندان تا ۱۲ سال و حتی مراقبت از سالمندان، منعطف‌ترین الگوی «حمایت از سوابق بیمه‌ای» را دارد. لذا کاهش شکاف دستمزد در بازنشستگی و کاهش فقر سالمندی شامل حال مادرانی که پیش و پس از دوره مراقبت سابقه بیمه دارند، می‌شود. همچنین این سیاست اگرچه امنیت دوران پیری را تأمین می‌کند، اما نسبت به «نیازهای حال حاضر» مادر خانه‌دار (نقدینگی، انزوای اجتماعی و نیاز به رشد فردی) بی‌تفاوت است. در واقع، دولت با این روش، پاداش زحمات مادر را به دهه‌ها بعد موکول می‌کند.

**۲ افزایش «حمایت ساختاری» (آزادسازی وقت مادر)**

در تجربه برخی کشورها از جمله فرانسه، سوئد و برزیل، تمرکز سیاست‌های خانواده عمدتاً بر توسعه زیرساخت‌های مراقبت از کودک، به‌ویژه

مهد کودک‌های دولتی و یارانه‌ای، قرار گرفته است. سیاست این کشورها بر این فرض استوار است که توسعه خدمات مراقبتی عمومی می‌تواند فشار ناشی از کار مراقبتی را کاهش داده و امکان انتخاب میان نقش‌های خانوادگی و فعالیت‌های اقتصادی را برای والدین، به ویژه مادران، افزایش دهد. در کنار این رویکرد، فرانسه همچنین از ترکیب حمایت‌های نقدی و غیرنقدی و سامانه‌های یکپارچه اطلاع‌رسانی رفاهی استفاده کرده است تا دسترسی خانواده‌ها به انواع خدمات و حمایت‌ها تسهیل شود. با این حال، برخی ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که الگوی مذکور، خانه‌داری را صرفاً نتیجه «نبود مهد کودک» انگاشته است. این رویکرد، انتخاب آگاهانه و ارزشمند زنانی را که اولویت خود را در مقاطع خاصی از زندگی، مدیریت تربیتی و عاطفی فرزند می‌دانند، نادیده می‌گیرد. لذا حمایت ساختاری نباید به گونه‌ای باشد که «خانه‌داری» را یک بن‌بست یا مانع پیشرفت زنان خانه‌دار جلوه دهد، بلکه باید به آن به‌عنوان یک «موقعیت راهبردی تربیتی» نگریست.

### ۳ بازتعریف نقش پدر (توزیع عادلانه بار مراقبت)

کشورهای سوئد و برزیل، حمایت از مادر را در گروهی «تغییر رفتار پدر» می‌بینند. با اجباری کردن یا تشویق به مرخصی پدری، دولت‌ها به دنبال کاهش «بار مراقبتی مضاعف» از روی دوش مادر هستند. این کار به مادران خانه‌دار اجازه می‌دهد تا از انزوای اجتماعی خارج شده و بخشی از مسئولیت را به همسر واگذار کنند. البته شاید سوئد در این زمینه موفق‌تر بوده، اما اعمال این سیاست در جوامعی با ساختار سنتی (مانند برزیل یا مشابه آن) می‌تواند منجر به مقاومت فرهنگی شود. نقد اساسی این است که اگر دولت‌ها صرفاً بر مرخصی پدران تأکید کنند، اما «فرهنگ محیط کار» تغییر نکند، پدران از این مرخصی استفاده نکرده و بار مراقبتی همچنان بر دوش مادر خانه‌دار باقی می‌ماند.

### ۴ هوشمندسازی و شناسایی

دو کشور فرانسه و برزیل، بر لایه «داده و زیرساخت» تأکید دارند. فرانسه با سامانه شناسایی وضعیت اقتصادی و برزیل با توسعه برنامه‌های زیرساختی، نشان می‌دهند که حمایت از مادر خانه‌دار نباید «کور» باشد. شناسایی دقیق نیازها (نقدی یا غیرنقدی)، بهره‌وری بودجه‌های حمایتی را بالا می‌برد. همچنین برزیل بر توسعه زیرساخت‌ها و پرداخت بخشی از حق بیمه تأکید دارد. ایراد این سیاست در این است که مادر خانه‌دار را صرفاً به‌عنوان یک «مصرف‌کننده خدمات» می‌بینند، نه یک «کنشگر فعال».

در نتیجه اینکه سیاست‌های بیمه‌ای (کانادا، بریتانیا، سوئد و برزیل) به فکر آینده مادران است، اما فکری برای پویایی امروز آنها نکرده است. مدل فرانسه (سامانه شناسایی) اگرچه هوشمند است، اما ریسک تبدیل شدن به یک ابزار کنترلی و مداخله‌گر در حریم خصوصی خانواده را به همراه دارد. این در حالی است که در هیچ‌یک از این سیاست‌ها، به مادر به‌عنوان یک «کارآفرین اجتماعی» نگریسته نشده و صرفاً به‌عنوان «مراقب فرزند» یا «بیمه‌شده» تعریف شده است.



## ۴. جمع‌بندی و پیشنهاد سیاستی



### ۴-۱. نتیجه‌گیری

بررسی اسناد بالادستی و قوانین جاری در کشور، نشان‌دهنده یک تحول راهبردی در نگاه به «خانه‌داری» است که براساس آن، این نقش نه به‌عنوان فعالیتی غیرمولد، بلکه به‌عنوان فعالیت با ارزش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. در همین راستا، نظام بیمه‌های کشور با رویکردی سه‌سطحی شامل: بیمه اختیاری، بیمه رایگان برای مادران روستایی دارای سه فرزند و تلاش برای پوشش گروه‌های فاقد بیمه (در برنامه ششم توسعه که تا سال آخر برنامه، اجرایی نشد)، به دنبال تأمین امنیت آتی این قشر از زنان است. نقطه عطف این روند در برنامه هفتم پیشرفت، تجلی یافته که با تمرکز بر «مراکز خلاق و نوآوری»، الگویی نوین برای مشارکت اجتماعی مادران خانه‌دار و برقراری توازن میان هویت فردی و نهاد خانواده پیشنهاد می‌دهد.

از سوی دیگر، بررسی تجربه کشورهای نظیر کانادا، بریتانیا و سوئد نشان می‌دهد که نظام‌های حمایتی با نگاهی آینده‌نگر، مراقبت از فرزند (کانادا تا ۷ سالگی، بریتانیا تا ۱۲ سالگی و سوئد تا ۴ سالگی) را یک «فعالیت اقتصادی» تلقی کرده و با جایگزینی «اعتبار بیمه‌ای» به جای حق بیمه پرداختی، به دنبال پیشگیری از فقر سالمندی در میان مادران هستند. باین حال، نقد اساسی به این الگو آن است که با موقوف کردن حمایت‌ها به دوران بازنشستگی، چالش‌های فعلی مادران از جمله انزوای اجتماعی و نیاز به پویایی و کنشگری آنها در زمان حال را نادیده گرفته است.

در بخش زیرساختی، کشورهایی مانند فرانسه و برزیل با توسعه مهد کودک‌های ارزان‌قیمت و خدمات مراقبت عمومی از کودک، در پی افزایش دسترسی خانواده‌ها به خدمات مراقبتی و تقویت امکان انتخاب میان نقش‌های ارزشمند خانوادگی و فعالیت اقتصادی برای والدین، به‌ویژه مادران، بوده‌اند. البته این سیاست به جای «ارزش‌بخشی به خانه‌داری» به‌عنوان یک شغل و تأمین امنیت مالی و بیمه‌ای زن در درون خانه، صرفاً بر «خانه‌داری زدایی» و ایجاد زمینه هدایت مادران به بازار کار تمرکز دارد.

از سوی دیگر، سیاست‌هایی که بر مشارکت پدران و مرخصی پدری تأکید دارند (در سوئد و برزیل)، به دنبال عادلانه‌تر کردن بار مراقبت از فرزند هستند. البته موفقیت این طرح‌ها صرفاً با قانونگذاری حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند تغییر در «فرهنگ محیط کار» است؛ در غیر این صورت، به دلیل مقاومت‌های کلیشه‌ای، همچنان مسئولیت‌های اصلی بر عهده مادر باقی می‌ماند.

در نهایت، هرچند استفاده از سامانه‌های هوشمند شناسایی در فرانسه به هدفمندتر شدن خدمات نقدی و غیرنقدی به مادران دارای فرزند کوچک کمک کرده، اما در واقع، این الگوها مادر را صرفاً یک «بهره‌بردار خدمات» یا «فرد تحت پوشش بیمه» می‌بینند و از ظرفیت‌های او به‌عنوان یک «کنشگر خلاق» و «کارآفرین اجتماعی» غافل مانده‌اند؛ نگاهی که باعث شده رشد فردی و اجتماعی مادران در دوران خانه‌داری عملاً نادیده گرفته شود.

### ۴-۲. پیشنهادها

در مجموع، حمایت از زنان خانه‌دار باید از سطح سیاست‌های مقطعی و موردی، به سطح سیاست‌های نهادی، پایدار و اثربخش ارتقا یابد. در چارچوب ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های کلان کشور، این حمایت صرفاً یک مداخله رفاهی تلقی نمی‌شود، بلکه در پیوند با تحکیم نهاد خانواده، ارتقای کرامت انسانی، حمایت از مسئولیت‌های خانوادگی و مراقبتی و کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌گذاری به خدمات زنان خانه‌دار معنا پیدا می‌کند. از این رو، حمایت از زنان خانه‌دار را می‌توان بخشی از رویکرد کلان برای تقویت رفاه خانواده، استحکام روابط خانوادگی و پشتیبانی از ایفای نقش‌های مراقبتی و اجتماعی دانست. تجربه برخی کشورها نیز نشان می‌دهد که حمایت مؤثر از زنان خانه‌دار الزاماً مستلزم پرداخت‌های نقدی مستقیم یا سیاست‌های پرهزینه نیست، بلکه می‌تواند از مسیر اصلاحات نهادی، اعتباربخشی

بیمه‌ای، توسعه خدمات عمومی مرتبط با مراقبت و بهبود نظام آماری و اطلاعاتی و فرهنگ‌سازی در جهت ارج نهادن به زحمات زنان خانه‌دار محقق شود. بر این اساس، پیشنهادهای ارائه شده در ادامه می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای طراحی و اصلاح سازوکارهای حمایتی و تشویقی زنان خانه‌دار در ایران مورد استفاده قرار گیرد. همچنین در این گزارش، کار خانگی و مراقبتی زنان به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین نهاد خانواده و دارای ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی مورد توجه قرار گرفته است و سیاست‌های پیشنهادی نه با هدف جبران یک فقدان یا تبدیل این نقش به فعالیت اقتصادی بازاری، بلکه با هدف حمایت ساختاری از تداوم، کیفیت و پایداری این نقش ارزشمند و کاهش فشارهای فرساینده بر زنان خانه‌دار طراحی شده‌اند.

### ۱ به رسمیت شناختن رسمی کار خانگی و مراقبتی بدون مزد در نظام آماری و سیاست‌گذاری

نخستین گام در اصلاح سیاست‌های حمایتی زنان خانه‌دار، به رسمیت شناختن رسمی کار خانگی و مراقبتی بدون مزد به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی-اجتماعی است. در حال حاضر، حذف این نوع کار از نظام‌های آماری و محاسبات رسمی، موجب نادیده ماندن سهم واقعی زنان در بازتولید اجتماعی و شکل‌گیری سیاست‌های رفاهی اشتغال‌محور شده است. از این رو پیشنهاد می‌شود مرکز آمار ایران، طبقه‌بندی مشخصی از فعالیت‌های خانگی و مراقبتی تدوین کرده و آن را در پیمایش‌های نیروی کار و هزینه-درآمد خانوار وارد کند تا امکان تولید شاخص‌های معتبر در خصوص ارزش کار خانگی فراهم شود. از سوی دیگر اعلام ارزش کار خانگی نشان‌دهنده این است که کار خانگی بی‌ارزش و بی‌اهمیت نبوده و خود زمینه‌ای است برای بسترسازی فرهنگی در جهت ارج نهادن به فعالیت زنان خانه‌دار است.

### ۲ نهادی‌سازی ارزش اقتصادی کار خانگی از طریق ایجاد حساب‌های اقماری

برای تبدیل شدن به رسمیت‌شناسی نمادین به اقدام نهادی پایدار، لازم است ارزش اقتصادی کار خانگی در قالب ابزارهای رسمی حسابداری ملی بازنمایی شود. در این راستا، پیشنهاد می‌شود سازمان برنامه و بودجه با همکاری مرکز آمار ایران، «حساب‌های اقماری کار خانگی و مراقبتی» را در چارچوب حساب‌های ملی طراحی و مستقر کند تا سهم بازتولید اجتماعی در تولید ناخالص داخلی و بهره‌وری ملی قابل سنجش شود. این اقدام علاوه بر افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، زمینه را برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد فراهم می‌کند و می‌تواند مبنایی برای اصلاح جهت‌گیری‌های بودجه‌ای و رفاهی کشور به سمت زنان/مادران خانه‌دار باشد.

### ۳ طراحی نظام اعتبار بیمه‌ای یا بازنشستگی برای جبران سال‌های خانه‌داری و مراقبت

یکی از مهم‌ترین خلأهای نظام رفاهی کشور، نبود سازوکاری برای پوشش بیمه‌ای دوره‌های خانه‌داری و مراقبت است؛ دوره‌هایی ارزشمند که نقش مهمی در حفظ انسجام خانواده و تربیت نسل آینده دارند. با وجود ارزش ذاتی این فعالیت‌ها، افرادی که بخشی از عمر خود را صرف مراقبت از کودک، سالمند یا فرد دارای معلولیت می‌کنند، ممکن است در نظام بازنشستگی با کمبود سابقه بیمه‌ای مواجه شوند. برای حمایت از این نقش حیاتی، پیشنهاد می‌شود وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی، سازوکاری تحت عنوان «اعتبار بیمه‌ای مراقبت» طراحی کنند. در این نظام، سال‌های اختصاص یافته به مراقبت و خانه‌داری، به‌عنوان سابقه بیمه‌ای قابل احتساب در نظر گرفته شود. این سازوکار می‌تواند با مشارکت متناسب دولت و خانوار طراحی شود تا هم از نظر عدالت اجتماعی قابل دفاع باشد و هم از نظر مالی پایدار بماند. این پیشنهادها نه برای اقتصادی‌سازی یا تقلیل ارزش خانه‌داری، بلکه برای پشتیبانی از نقش ارزشمند مراقبت و برای جلوگیری از آسیب‌پذیری افراد در سالمندی ارائه می‌شود.



#### ۴ توسعه خدمات عمومی مراقبت از کودک و سالمند

تقویت زیرساخت‌های مراقبت عمومی، یکی از ارکان اصلی حمایت از خانواده‌ها و کاهش فشارهای ناشی از مسئولیت‌های مراقبتی است. توسعه مهد کودک‌ها، مراکز مراقبت از سالمندان و خدمات حمایتی محلی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌ها داشته باشد. در همین راستا، اجرای مفاد مرتبط در بند «ب» ماده (۸۱) قانون برنامه هفتم پیشرفت، از جمله توسعه و تنوع بخشی به الگوهای مهد کودک و کودکستان، می‌تواند به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی سیاستی مورد توجه قرار گیرد. پیگیری میزان تحقق این سیاست‌ها نیز برای ارزیابی اثربخشی آن ضروری است.

#### ۵ حرکت از حمایت صرفا نقدی به سوی توانمندسازی اجتماعی-اقتصادی زنان خانه‌دار

تجربه سیاست‌های حمایتی نشان می‌دهد اتکا به پرداخت‌های نقدی، در صورت فقدان برنامه‌های توانمندسازی، معمولاً به کاهش وابستگی اقتصادی زنان منجر نمی‌شود و آثار پایداری بر بهبود کیفیت زندگی ندارد. از این رو پیشنهاد می‌شود سیاستگذاری در حوزه زنان خانه‌دار از حمایت‌های صرفا نقدی به سمت رویکرد توانمندسازی حرکت کند؛ رویکردی که شامل: آموزش مادام‌العمر، مهارت‌آموزی، تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد مسیرهای مشارکت داوطلبانه و اجتماعی برای زنان خانه‌دار است. اجرای این سیاست می‌تواند به افزایش قابلیت‌های فردی و اجتماعی زنان خانه‌دار بدون الزام به ورود اجباری آنان به بازار کار رسمی منجر شود. لذا در بند «ث» ماده (۸۱) قانون برنامه هفتم پیشرفت، معاونت علمی ریاست جمهوری موظف است با هدف حمایت از فرزندآوری، شرایط را برای فعالیت اجتماعی و توانمندی مادران، به‌ویژه مادران خانه‌دار، تسهیل کند. این اقدام از طریق ایجاد «مراکز نوآوری مادر و کودک» و توسعه زیرساخت‌های خلاق انجام می‌شود تا مادران بتوانند در کنار نقش مادری، به‌عنوان نیروهای خلاق و نوآور در جامعه حضور داشته باشند. البته گزارش بررسی عملکرد اجرایی سازی برنامه هفتم پیشرفت نشان می‌دهد که به‌صورت نسبی در حال انجام است [۱۲].

#### ۶ مداخلات فرهنگی و نهادی برای ترویج تقسیم کار خانگی

هرگونه حمایت نهادی از زنان خانه‌دار، در صورت عدم تغییر در تقسیم کار خانگی در مسئولیت‌های خانوادگی می‌تواند به بازتولید نقش‌های سنتی و افزایش فشار کار خانگی بر زنان/مادران منجر شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاستگذار علاوه بر مداخلات اقتصادی، مجموعه‌ای از اقدامات فرهنگی و نهادی برای تقویت تقسیم کار خانگی طراحی کند. یکی از سیاست‌های مؤثر در این زمینه، تقویت نقش پدران از طریق سازوکارهایی مانند مرخصی پدری، حمایت از مشارکت مردان در مراقبت و تولید پیام‌های رسانه‌ای هدفمند است. چنین اقداماتی می‌تواند در بلندمدت به تغییر هنجارهای اجتماعی، کاهش بار مراقبتی و فشار کار خانگی در سطح خانواده و جامعه کمک کند. اجرای این محور می‌تواند با مشارکت و هماهنگی نهادهایی مانند معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما پیگیری شود. چنین اقداماتی می‌تواند در بلندمدت به تغییر هنجارهای اجتماعی، کاهش بار مراقبتی زنان و کار خانگی در سطح خانواده و جامعه کمک کند.

جدول ۴. پیشنهادهای سیاستی در حوزه حمایت از زنان خانه‌دار در ایران

ردیف	محور سیاستی	نوع مداخله	سطح مداخله	پیشنهاد سیاستی	نهادهای مسئول	سازوکار اجرایی	پیامد / هدف مورد انتظار
۱	نظام شناختی و آماری	نهادی-شناختی	کلان	بهر سمیت‌شناختن کار خانگی و مراقبتی بدون مزد در نظام آماری رسمی	مرکز آمار ایران	اصلاح طبقه‌بندی فعالیت‌ها و ورود به نظام آماری	افزایش دیده‌شدن ارزش کار خانگی و اصلاح مبنای سیاستگذاری
۲	حساب‌های ملی	نهادی-اقتصادی	کلان	ایجاد حساب‌های اقماری کار خانگی و مراقبتی	سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار	طراحی حساب‌های اقماری در چارچوب حساب‌های ملی	سنجش سهم کار خانگی در تولید اجتماعی و اصلاح GDP
۳	نظام رفاه و بیمه	نهادی-حمایتی	کلان-میانه	ایجاد «اعتبار بیمه‌ای مراقبتی» برای دوره‌های خانهداری و مراقبت	وزارت تعاون، رفاه اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی	احتساب سال‌های مراقبت به‌عنوان سابقه بیمه‌ای	کاهش آسیب‌پذیری سالمندی و افزایش عدالت بیمه‌ای
۴	زیرساخت‌های مراقبتی	خدماتی-اجتماعی	میانه	توسعه خدمات مراقبت کودک و سالمند	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش	توسعه مهدکودک، مراکز سالمند، خدمات محلی	کاهش فشار مراقبتی و بهبود کیفیت زندگی خانواده
۵	توانمندسازی زنان خانه‌دار	اجتماعی-اقتصادی	خرد-میانه	گذار از حمایت نقدی به توانمندسازی پایدار	معاونت امور زنان و خانواده، معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	آموزش، مهارت‌آموزی، مراکز نوآوری مادر و کودک	افزایش سرمایه انسانی و اجتماعی زنان بدون الزام به اشتغال رسمی
۶	سیاست فرهنگی و جنسیتی	فرهنگی-نهادی	کلان-فرهنگی	ترویج تقسیم عادلانه کار خانگی و افزایش مشارکت اعضای خانواده در کار خانگی	صداوسیما، وزارت ارشاد، آموزش و پرورش، معاونت زنان و خانواده	مرخصی‌های کمپین‌های رسانه‌ای، آموزش نقش‌های مراقبتی	کاهش نابرابری جنسیتی در کار خانگی و مراقبت

مأخذ: همان.



[1] <https://amar.org.ir/salnameh-amari/agentType/ViewSearch/CustomFieldIDs/65/SearchValues/1402/PropertyTypeID/615>

[۲] قنبری، معصومه؛ برسپاه، وحید (۱۴۰۱). چالش‌های پیش‌روی بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار و الزامات تقنینی آن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۲۰۵.

[۳] کریم‌پور، نگار (۱۴۰۱). وضعیت موجود، ابعاد و چالش‌های بیمه زنان خانه‌دار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۱۷۷.

[۴] علیزاده اقدم، محمدباقر و دیگران (۱۴۰۰). فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن از منظر زنان خانه‌دار شهر قم، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۲(۴۶).

[۵] ساعی ارسی، ایرج و نیک‌نژاد، زهرا (۱۳۸۹). «سهم کار خانگی زنان در فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه». علوم رفتاری، ۲(۴).

[6] Fultz, E. (2011). Pension crediting for caregivers: Policies in Finland, France, Germany, Sweden, the United Kingdom, Canada, and Japan (IWPR #D497). Institute for Women's Policy Research. <https://www.iwpr.org/wp-content/uploads/2020/12/D497-Fultz.pdf>

[7] Nordic Council of Ministers (2019). The Nordic Gender Effect at Work: Nordic Experiences on Parental Leave, Childcare, Flexible Work Arrangements. Copenhagen: Nordic Council of Ministers. DOI: <https://doi.org/10.6027/NO2019-058>

[8] International Social Security Association (ISSA). (2024). Protecting families and supporting women – Gender-responsive practices in Europe. <https://www.issa.int/analysis/protecting-families-and-supporting-women-gender-responsive-practices-europe> (دسترسی در ۹ آذر ۱۴۰۴)

[9] OECD (2022), Reducing the Gender Employment Gap in Hungary, Gender Equality at Work, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/fe5bc945-en> UN Women (2022). A Toolkit on Paid and Unpaid Care Work: From 3Rs to 5Rs

[10]. Mehta, V., Kristoffersen, I., and Li, I. W. (2025). *Home-winners and bread-makers: Gender role norms and the consumption of childcare. Review of Economics of the Household*. <https://doi.org/10.1007/s11150-025-09773-6>

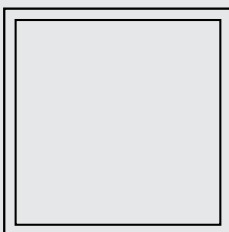
[۱۱] رحمانی‌پور، ریحانه (مهر ۱۴۰۴). ارزیابی عملکرد برنامه هفتم پیشرفت تا پایان شهریور ۱۴۰۴: فصل ۱۶- زن، خانواده و جمعیت، دفتر مطالعات فرهنگی و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۲۱۰۵۵.

عنوان: مطالعه تطبیقی سازوکارهای سیاستی حمایت از زنان خانه‌دار

DOI: [10.22034/mrc.report.21630](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21630)

Permanent Link: [report.mrc.ir/article](https://report.mrc.ir/article)

Publisher: Islamic Parliament Research Center of Iran





## گزیده سیاستی

ارزش‌گذاری کار خانگی در تولید ناخالص ملی، احتساب سال‌های خانهداری به‌عنوان سابقه بیمه، ترویج مرخصی‌پدیری و تبدیل زنان خانهدار به‌کنشگران خلاق از طریق مراکز نوآوری و مهارت‌آموزی بر ارزشمند شدن کار خانگی مؤثر است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)